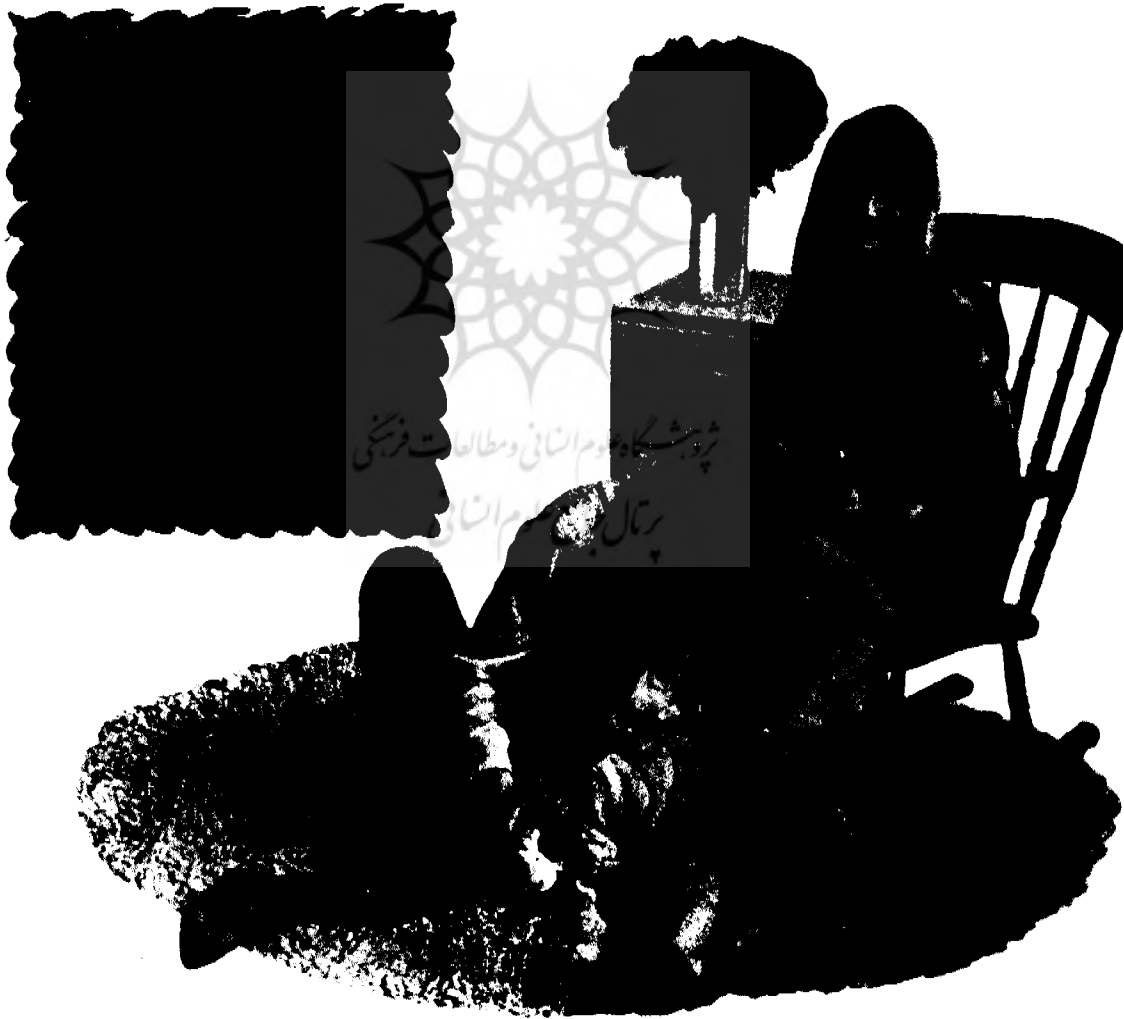


جای فرزند در میان خانواده



باو بخشیده است .
برادر ارشد از آن رو مردانه تر
از دیگران است که برای کسب
اطمینان احتیاجی به مبارزه ندارد
چرا که خواهران و برادران
کوچکتر خود بخود بخاطر
احتراسیکه برای بزرگتر قائلند ،
چنین موهبتی را بدو تقدیم
داشته اند .

از این رو حیرتی ندارد که
می بینیم چنین کودکی در برابر
زندگیش بی مانع پیش می رود .
در هر حال کودکی که اول
بدنیسا می آید با احتمال قسول
باهوش تر ، مستقل تر و «اکمل
طلب» است . و بهین دلیل است
که احتمال موفقتر بودنش هم ،
بیشتر است . اما از آنجائیکه
چنین کودکی در دوران
خردسالی در خانواده خود تاج و
آنها بوده و با اصطلاح بزرگتری و
ارشدیت نشان می داده ، چه بسا
که وقتی بزرگ شود برای
دوست یابی و کنار آمدن با مردم
خود را با دشواریهایی روبرو
بیند . چرا که احساس برتری-
جوئی که در خانواده در او دیده
شده ممکن است همچنان در او
باقی مانده باشد .

این برتری جوئی ممکن
است به یکدندگی او در نظریاتش
منجر شود . اما از سوی دیگر
چنین کودکی در بزرگی پدر
خوبی خواهد شد . چرا که بطرز

برای پدر و مادر ضربه ای از این شدیدتر نیست
که پس از ۷ سال تلاش و کوششی در راه تربیت
فرزندان خود ناگهان مشاهده کنند ، که فرزندانشان
آنچنانکه انتظار داشته اند از آب در نیامده اند .
شما آرزو داشته اید که دخترتان یا پسرتان
همه چیزش مثل خودتان باشد ، اما مشاهده میکنید
که نه روحیه و اخلاق دختر بمادریش شبیه است
و نه رفتار و کردار پسر با پسرانتان بشما شباهتی
دارد . در این مقاله دانشمندی بزرگ این راز را بر شما
میگشاید و هدیه دیرینه « فروید » پدر روانشناسی
را باطل میکند که معتقد بود: والدین نقشند اصلی
رفتار کودک نسبت به مردم و حتی طرز انتخاب دوست
و همسر او هستند . و از گونی سنتهای دیرینه و
سستی بنیان خانوادگی هم در سالهای اخیر بیش از
پیش به رد نظریه « فروید » کمک کرده است .

اما پروفسور «تامان» استاد
دانشگاههای آلمان و آمریکا
بررسیهای عمیقی را در این زمینه
صورت داده و معتقد است که
برادران و خواهران یک خانواده
هستند که بیش از هر کس دیگر
بر کودک اثر میگذارند و بطور
کلی وجود او را شکل میدهند .
مخصوصاً در چنین رابطه ایست
که کودک موقعیت و مقام
خویش را در خانواده درمیآید .
بزرگترین برادر خانواده
آدمی مطمئن ، متعدي و رهبر
است . او بیش از برادران و
خواهران دیگر بخاطر خصوصیات
مردانه اش مورد ستایش بوده
و همین مساله نوعی ارشدیت

ما از همان اولین روزیکه
فرزندان بدنیا می آید ، انتظار
داریم صفاتی را که در خودمان
بوده در او ببینیم و اگر دیدیم
که صفات مورد نظر را نداشت
همسرمان را سرزنش میکنیم و
میگوئیم . . «میبینی! این صفت
بدی که در او پیدا شده اثری
است که از تو بدو رسیده است»
« فروید » معتقد بود که طرز
رفتار کودک نسبت به دیگران ،
دوستانی را که انتخاب میکند
و حتی همسری را که بعدها
برمیگزیند ، همگی مولود اثری
است که والدینش بر کردار و
رفتار او داشته اند .

برادران - خواهران

اداره کوچکتر از خود آشنائی داشته است .

چنین کودکی ممکن است برای یالتن همسری مناسب با اشکال روبرو شود . مخصوصاً اگر از خانواده‌ای پراولاد باشد که همه فرزندان شان پسرند . تنها دختری را که او نمیتواند با وی ازدواج کند ، دختری است که همدیف خودش در خانواده بوده یعنی ارشد خواهران خود باشد ! زیرا چنین دختری جنبه آسرت و خاله زنک دارد و اگر اوضاع بروفق سرادش نباشد از کوره درسی رود .

بعقیده پروفسور «تامان» چنین پسری معمولاً هنگامی ازدواجش سولقیت آسبز است که با کوچکترین خواهر خانواده‌ای که همه پسرند ، ازدواج کند . چنین دختری خوشبخت خواهد بود ، چرا که گروهی برادر محافظ داشته و طرز رفتار با پسران را بخوبی بلد است . چنین دختری واجد صفات زنانه است اما بیش از حد بلند پرواز و جاه طلب نیست . طبیعتاً چنین دختری باسردها بهتر سروکله میزند ، نظر پاتشان را ستمکس میکند و هیچ نظریه خاصی بطور مستقل از خودش نشان نمی دهد .

ارشد پسران خانواده‌ای که بقیه فرزندان شان دختر باشند مورد توجه زنان خواهد بود و بزنان هم احترام میگذارد تا اورا محترم شمارند . برای چنین مردی خانواده مافوق همه است و زن او حتی مافوق فرزندانش قرار دارد .

* * *

کوچکترین برادر از برادران یک خانواده دلش میخواهد که در تمام زندگیش آقا با لاسر داشته باشد و هر چند که خودش این مسئله را اعتراف نمی کند ، اما چنین اساسی دواو ریشه دوانده است . هر

چند که چنین آدمی در یک شغل مطمئن بهترین عضو شماره دو را تشکیل میدهد ، اما ندرتاً ممکن است آن نوع ابتکاری را که مستلزم کاری مستقل یا تجارت و حرفه‌ای آزاد است از خود نشان دهد .

چنین مردی هرگز زنان را بدرستی تشخیص نمی دهد و همسرش در پشت پرده آقا و کارفرمای اوست .

کوچکترین پسر خانواده ای که خواهران بزرگتری براو سلطنتد پیوسته احتیاج به کسی دارند

که نسبت بدوبادری کند و رفتاری سادرانه نشان دهد و زنی را هم که انتخاب میکند از این قاعده بیرون نیست .

چنین مردی ممکن است حتی نسبت به فرزندان خویش هم حسود باشد چرا که آنها توجه همسرش را تا اندازه‌ای بسوی خود منصرف کرده اند .

چنین مردی بهترین همسری است برای ازدواج با بزرگترین دختر یک خانواده پر دختر * * *

این برسرها بطور کلی نشان میدهند که بطور کلی : * دختری که برادرانش ستمکی بوده بسوی پسری روی میاورد که برادرانی داشته باشد که بدو ستمکی بوده باشند .

* پسری که درزندگی همیشه دختر دورویش بوده بسراغ دختری خواهد رفت که زیر سلطه خواهران متعدد خود بوده است . برعکس این قاعده هم صادق است :

* کوچکترین برادر خانواده‌ای (پسر دار) طالب همسری است که دختری از خانواده‌ای باشد که برادران کم سن تر از خودش داشته است و به بارت بهتر دختر ارشد خانواده میان یک سشت برادر

بوده باشد .

وقتی که مردم از این قواعد بافراتر بگذارند شانس بهم خوردن ازدواج آنها زیاد است .

زیرا فورسولها نیکه در بالا آوردیم حاصل تحقیقات کار-شناسان امور خانوادگی است و مولود مطالعات وسیع و دقیقی است که بردهها هزار نفر دختر و پسر انجام داده اند پروفیسور «تامان» خاطر نشان میسازد که مطالعات مذکور صرفاً در مورد خانواده هائی بوده است که با ترتیبی منظم تشکیل شده اند و در صورتیکه بدلائیلی از قبیل سالخوردگی یا سرگ یا جدائی خلائی در خانواده پدید آمده باشد در آنصورت عواملی که از آن یاد کردیم نفوذ واقعی خود را نشان نخواهد داد .

دانشمند مزبور یادآور میشود که پاره ای از برادران و خواهران در یک خانواده ممکن است بعلت فاصله ای که در تولدشان پدید آمده گروهی فرعی را در داخل گروه اصلی تشکیل دهند . مثلاً سومین فرزند این خانواده ممکن است در چنین گروه فرعی بصورت ارشد گروه درآید .

در خانواده هائیکه فرزندان بزرگترشان فارغ التحصیل شده

و وارد مرحله تازه ای از زندگی شده باشند بقیه کودک کانی که باقی میمانند گروه فرعی یاد کرده را تشکیل خواهند داد .

پروفیسور «تامان» فرزندان یگانه خانواده ها را هم از یاد نبرده است و میگوید کودکان سزبور در ایجاد پیوند و ارتباط دشواریهای دارند و این احتمال وجود ندارد که کودک یگانه دیگری را که در خانواده دیگری است بعنوان شریک زندگی انتخاب کنند چرا که چنین کودکانی هر دو دشواریهای مشابه ای دارند لذا بجای آنکه یکدیگر را جذب کنند همچون دو سیم منفی یا مثبت الکتروسیسته ، دفع مینماید فراموش نکنید که وقتی میان اعضای خانواده ای فاصله زیادی از نظر تولد وجود داشته باشد ، آخرین و کوچکترین فرزند خانواده از نظر روانی فرزند یگانه است .

* * *

نخستین فریضه زندگی هر کودک اینست که برای جلب توجه والدین خود تلاش میکند تا بدین ترتیب احساس امنیت بیشتری کند . هر نوع مانعی در این راه

چه بصورت برادران جدید یا خواهران تازه ای قبل و بعد از این سلسله مراتب طفل وجود داشته باشد ، خصوصیات اخلاقی طفل را یا شدیدتر ، یا کندتر و یا خنثی میکند تا بجائی که پس از ۱۸ سال یا بیشتر که تحت تاثیر چنین نفوذ هائی در خانواده خود بوده ، طرز تفکر کلی او در زندگی برای همیشه قالب ریزی میشود .

باری « فریود » تلاش زیادی کرد تا خود و دیگران را قانع کند که این پدر و مادرند که طرز تفکر طفل را نسبت به دیگر مردم ، دوستانی که انتخاب میکنند و همسری که سرانجام بر میگزینند ، شکل بندی میکنند .

اما امروز خلاصی و آزادی از نفوذ خانوادگی که در جوانان و حتی نوجوانان ده دوازده ساله میبینیم ، تئوری «فریود» را تقریباً باطل میکنند

هنگامیکه مطالعه و تحقیقات وسیعتری در مورد جای کودک در خانواده صورت گیرد بی شک ما فهم و درک بیشتری را در راه کشف علل و عوامل رفتار کودکان خود خواهیم داشت .